



یکشنبه ۳ آسفند ۱۴۰۴

وطن امروز | شماره ۴۵۲۲

فرهنگ و هنر |

به عبارت دیگران

وقتی شاهنشاه آرپامهر

از مأمور سفارت حساب می‌برد!

۲ هفته آخر سلطنت رضاخان من درگیر مسائلی بودم که به تعیین سرنوشت حکومت پهلوی پیوند قطعی داشت.

نزدیکی من با ولیعهد و دوستی منحصربه‌فرد او با من عملی بود که سبب شد تا در این مقطع حساس نقش رابط او با مقامات اطلاعاتی انگلستان عهدمدار شوم. در این روزها، من تنها یار محرم و صمیمی رضاخان بودم.

بعض‌الظهر یکی از روزهای نهم یا دهم شهریور، ولیعهد به من گفت: «همین امروز به سفارت انگلیس مراجعه کن. در آنجا فردی است به نام «ترات» که رئیس اطلاعات انگلیس در ایران و نفر دوم سفارت است. او در جریان است و درباره وضع من با او صحبت کن.

به هم که رسیدیم امستر ترات] به فارسی سلیس گفت: «اسم‌تان چیست؟» گفتم: «فردوست.» گفت: «خوب. من هم ترات!» و دست داد. بلافاصله پرسید که موضوع چیست؟ گفتم ولیعهد مرا فرستاده و نام شما را به من داده تا با شما تماس بگیرم و بپرسم که وضع او چه خواهد شد و تکلیفش چیست؟ ترات مقداری صحبت کرد و گفت محمدرضا طرفدار شدید آلمان‌هاست و ما از درون کاخ، اطلاعات دقیق و مدارک مستند داریم که او دائماً به رادیوهایی که در ارتباط با جنگ است، به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و فارسی گوش می‌دهد و نقشه‌ای دارد که خود تود پیشرفت آلمان در جبهه‌ها را برایش در آن نقشه با سنخ‌چا مشخص می‌کنی! من گفتم که من صرفاً پیام‌آور و پیام‌بر هستم و مطالبی که فرمودید را به محمدرضا منعکس می‌کنم.

من به سعدآباد بازگشتم و جریان را به محمدرضا گفتم، او شش‌دینا جا خورد و تعجب کرد که از کجا می‌دانند من به رادیو گوش می‌دهم و یا نقشه دارم و غیره…

محمدرضا گفت: «فردا اول وقت با ترات تماس بگیر و با او قرار ملاقات بگیر و بگو که همان‌شب با محمدرضا صحبت کردم و گفت‌نقشه‌اش را زین‌بی‌می‌برم و رادیو هم دیگر گوش نمی‌کنم؛ مگر رادیوهایی که خودشان اجازه دهند آنها را بشنوم!» سپس از ملاقات مجدداً ترات گفت: «خوب ببینیم که آیا او در این بیانات صداقت دارد یا نه.»

فکر می‌کنم ۴–۵ روز پس از نخستین ملاقات بود که ترات گفت: «مشب همانجا بیا!» سر قرار رفتم. ترات گفت: «محمدرضا پیشنهادهات ما را انجام داده و این خوب است، البته ما نمی‌گوییم که به هیچ رادیوی گوش ندهد، به هر رادیویی دلش خواست گوش بدهد ولی مساله نقشه برای ما اهمیت دارد که این چه علاقه‌ای است که او به پیشرفت قوای آلمان داشته‌به هر حال یک اشکال پیش آمده، روس‌ها صراحتاً مخالف سلطنت هستند و خواستار استعراق رژیم جمهوری در ایران می‌باشند! آمریکایی‌ها هم بی‌تفاوتند و می‌گویند برای‌شان فرقی نمی‌کند که در ایران جمهوری باشد یا سلطنت، و بیشتر هم چون رژیم جمهوری را می‌شناسند به آن راغبند، ولی خود ما به سلطنت علاقه‌مندیم؛ به دلایلی که آمریکایی‌ها متوجه نیستند ولی روس‌ها دقیقاً متوجهند…»

حسین فردوست
ظهور و سقوط سلطنت پهلوی
مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
جلد ۱، صفحات ۱۰۰ تا ۱۰۲

باور بسیار عجیب خیلی‌ها

اکثر مردم با ارسطو هم‌فکرند که آنچه عده زیادی به آن عقیده دارند وجود دارد. آلمانیان به محض اینکه یقین پیدا کنند که علمه مردم به باوری – هر قدر احمقانه – عقیده دارند، بلافاصله آن را می‌پذیرند. مثال و سرمشق دیگران بر فکر و اندیشه و عمل آنها تأثیر می‌گذارد. آنها مثل گوسفندهایی هستند که قوچ پیشاهنگ هر جا برود او را دنبال می‌کنند. آنها پیش از اینکه فکر کنند می‌میرند.

بسیار عجیب است که عمومیت باوری این‌قدر برای مردم اهمیت دارد. ممکن بود تجربه شخصی ایشان به آنها بگوید که قبول چنین باوری کاملاً نابخردانه و فرآیندی صرفاً تقلیدی است، ولی چنین چیزی به آنها نمی‌گوید، زیرا از هر گونه خودشناسی بی‌بهره‌اند.

آر نور شوینهارو
هنر همیشه برحق بودن
عرفان ثابتي
نشر ققنوس
صفحه ۹۵

عملیات خیبر؛ پایان یا آغاز همت

محمدرضا پروازیان مسؤول وقت عقیدتی لشکر ۲۷ می‌گوید: «بعد از آنکه حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین(ع) دستش قطع شد و او را به عقب تخلیه کردند دیدم حاج‌همت گرفته و عصبانی است. به او گفتم: «تو چرا ناراحتی حاجی؟» دستم را گرفت و مرا از کنار خاکریز، پنج تا شش متر آن طرف‌تر برد. نشست روی زمین. من هم در کنار او نشستم. حاجی یک نفس عمیق کشید و گفت: خیبر آخرین عملیات من است. گفتم «نه، این‌طور نیست. ان‌شاءالله که سال‌ها زنده هستی و…» او باز حرف خودش را تکرار کرد و گفت: «این عملیات، آخرین عملیات من است.»

حسین بهزاد و گلعلی بابایی
شرازهای خورشید
[کارنامه لشکر ۲۷ در عملیات خیبر]
نشر صاقفه - صفحه ۶۷۱

پیامبر اعظم(ص)

داناترین مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند و خوارترین مردم کسی است که به مردم اهانت کند.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیر عامل: زهرا شکیبایی
سر‌دبیر: سید‌عابدین نورالدینی



میلاد جلیل‌زاده

از سال‌ها پیش کسانی که سینمای جهان را به‌طور حرفه‌ای دنبال کرده بودند و خصوصاً فیلمسازان شرقی برای‌شان جذاب بوده، حتماً با اسم چن کایگه، فیلمساز نسل پنجم چین که در جشنواره‌های مختلف‌گربی‌هم‌ب‌راه‌ناحسین شده بود آشنا هستند اما این اسم در سال‌های اخیر طور دیگری به میان آمده که با ژانر و فضاهای قبلی متفاوت است. دولت چین در یکی دو دهه اخیر توانست بسیاری از نخبگان سینمایی‌اش را که وسط جشنواره‌های غربی یارگیری شده بودند به اردوگاه خودی بپیوند بزند و با همان افراد فیلم‌هایی بسازد که کاملاً برخلاف اهداف و سیاست‌های غرب است. این قضیه وضعیتی به وجود آورده که رسانه‌های غربی و مجامع سینمایی آن را به‌شدت آچمز کرده‌است. بحرانی‌ترین نقطه‌ای که ایالات متحده به عنوان پرچمدار بلوک غرب درباره آن با چین تا به حال به رویارویی مستقیم رسیده بود، مساله جنگ کره ایست و همین فیلمسازان سابقاً جشنواره‌ای چینی که عمدتاً مربوط به نسل پنجم سینماگران این کشور هستند، بخش قابل توجهی از بار بیشترین قضیه در صنعت سینما را به‌دوش کشیده‌اند. عیان شدن تمام‌عیار این ماجرا برمی‌گردد چین تا به حال به رویارویی شدن پاندمی کرونا و اینکه فیلم دیدن در سالن نمایش برای همه دنیا به مشکل خورد، از آنجا که دولت چین در مهار این ویروس از باقی کشورها سریع‌تر و موفق‌تر بود، توانست برای یک مدت خاص، جهش سریع در صنعت سینما داشته باشد و برای کم کردن فاصله‌اش با هالیوود، راه ده‌ها ساله را یکی دو ساله برود. جالب است که صنعت سینمای چین برخلاف آمریکا این مسیر را به جای فیلم‌های ابرقهرمانی، با قهرمان‌های واقعی طی کرد و سراغ آثار تاریخی و جنگی رفت. نخستین بار سال ۲۰۲۰ یک فیلم چینی به اسم «هشتصد» که درباره جنگ دوم جهانی بود، توانست رکورد گیشه جهانی را بشکند. همان سال یک فیلم چینی دیگر هم جزو ۱۰ اثر پر فروش دنیا بود به اسم «پتار» که غربی‌ها این یکی را بایکوت شهنشاه کردند و حتی مدت‌ها برایش صفحه imdb درست نشد. این فیلم را ۳ کارگردان جوان چینی ساخته بودند که یکی‌شان کارگردان فیلم «هشتصد» هم بود اما مشکل از اینجا برمی‌خاست که فیلم، به جنگ آمریکا و چین سر شهنشاه برمی‌خورد و حتی پرداخت و غربی‌ها، خصوصاً آمریکایی‌ها، دل‌شان نمی‌خواست سر این بحث دوباره باز شود و کسی یادش بیاید آنجا چه گذشت. با این حال سیاست بایکوت جواب نداد، چون چینی‌ها قصد نداشتند دست از سر این موضوع بردارند و سال بعد چن کایگه، یعنی یکی از فیلمسازانی که خود غربی‌ها چندین و چند سال، او را بابت آثار انتقادی‌اش نسبت به فرهنگ چین در رسانه‌های خود تبلیغ کرده بودند و نامش سر زبان‌ها بود، فیلمی ساخت به نام «نبرد در دریاچه چانگجین» و حتی ژانگ ییمو، دیگر فیلمساز افسانه‌ای چین هم «تک‌تیر اندازها» را با عنوان «داوطلبان مرگ» ترجمه کردند. سال بعد سری دوم این فیلم ساخته شد با پسوند «نبردی برای بقا» و به دسامبر ۲۰۲۵ که رسید، یعنی چند روز مانده به شروع سال ۲۰۲۶ میلادی، سری سومش روی پرده آمد که پسوند آن این بار «نبرد برای صلح» بود. به عبارت ساده، فقط همین فیلمساز، یعنی چن کایگه تا به حال ۵ بلاک‌باستر بررخ و به‌شدت پر فروش ساخته که موضوع همه آنها اشاره به جنگ تاریخی چین با آمریکااست و دولت چین هم امکاناتی فراهم کرده تا این فیلم‌ها بتوانند به‌صدر جدول‌های فروش بیایند. سه‌گانه «داوطلبان» که به عنوان سه‌گانه «جنگ‌های بزرگ» هم شناخته می‌شود، به مناسبت هفتادمین سالگرد پیروزی چین بر ارتش آمریکا در جنگ کره ساخته شد و تصویر کاملی از تصمیم دولت چین برای اعزام نیرو به کره از اوضاعی توافقمند آتش‌بس ارائه می‌دهد؛ جنگی که ۲ سال طول کشید و مذاکرات دیپلماتیک، هم‌زمان با آن جریان داشت ولی دیپلمات‌ها چشم به راه خبرهای خوب و قوی از جبهه‌ها بودند تا کارت مناسبی برای رو کردن در میز مذاکره داشته باشند. نهایتاً بعداز ۱۵۸ جلسه بزرگ، ۷۳۲ جلسه کوچک و ۵ بار وقفه در مذاکرات، توافق صلح حاصل شد تا رکورد طولانی‌ترین مذاکرات آتش‌بس در تاریخ جنگ‌های نظامی دنیا به چین و آمریکا تعلق بگیرد.

فیلم «سباز» خونین برای صلح» نبردهای سهمگینی را در شانگنالیینگ (Shangnaling) و جینجینگ (Jinjing) نمایش می‌دهد که فیلمبرداری آن در هنگ‌فنگ انجام شده است. چن کایگه، کارگردان فیلم، می‌گوید فیلم سوم بیشتر روی سربازان عادی و همکاری همه جبهه‌ها، از میدان نبرد گرفته تا اتاق مذاکره و خط تدارکات تمرکز دارد تا با کنار هم گذاشتن‌شان تصویر کاملی از یک جنگ بیچیده را تشکیل بدهد. او می‌گوید این فیلم ادای احترامی است به کسانی که جان خودشان را برای دفاع از صلح و شرق ملتشان فدا کردند. موضوع سومین نسخه‌از سه‌گانه «داوطلبان» بر مذاکرات صلح در پانمونجوم و آخرین نبردهای سرنوشت‌ساز تمرکز دارد که

در نهایت منجر به آتش‌بس شد. به عبارتی قسمت اول (۲۰۲۳) نمایش‌دهنده تصمیم چین برای ورود به جنگ بود. قسمت دوم (۲۰۲۴) اوج درگیری‌های نظامی و فداکاری‌ها را نشان می‌داد و قسمت سوم (۲۰۲۵) مسیر دشوار به سوی صلح و نبردهای نهایی را روایت می‌کرد و در حالی که قسمت دوم بیشتر بر نبردهای میانی تمرکز داشت، نسخه سوم تلاش می‌کند ابعاد دیپلماتیک و سیاسی پایان جنگ را در کنار صحنه‌های نبرد به تصویر بکشد. چن کایگه در این قسمت نهایی از آخرین استانداردهای صوتی و تصویری استفاده کرده تا تأثیرگذاری دراماتیک پایان سه‌گانه را دوچندان کند.

اگر در ۲ قسمت قبلی، قهرمانان در حال اعزام یا در حال مبارزه بودند، در این قسمت تم «بازگشت» بسیار پررنگ است. علاوه بر این، تأثیرات طولانی‌مدت جنگ بر خانواده‌های سربازان و مفهوم «فداکاری برای نسل‌های آینده» که در قسمت‌های قبل وعده داده شده بود، اینجا به ثمر می‌نشیند. چن کایگه برای قسمت پایانی از تکنیک‌های صبری متفاوتی استفاده کرده است. مثلاً در پالت رنگی کار، برخلاف فضای خاکستری و خونین قسمت دوم، در قسمت سوم (ویژه در سکانس‌های پایانی و دیپلماتیک) از رنگ‌های گرم‌تر استفاده شد. نورپردازی نمادین برای نمایش امید و صلح استفاده شده است. صحنه‌های نبرد پایانی هم با استفاده از تکنولوژی‌های جدیدتر جلوه‌های ویژه (VFX) در سال ۲۰۲۵ جزئیات خیره‌کننده‌تری نسبت به نسخه سال ۲۰۲۲ دارند تا شکوه پایان این حماسه را به رخ بکشند. به نظر می‌رسد چن کایگه با این تغییر رویه قصد داشته نشان دهد پیروزی نهایی فقط در شکست دادن دشمن، بلکه در تثبیت جایگاه سیاسی چین در جهان بوده است. فیلم چن کایگه، کسی که روزگاری محبوب فستیوال‌های غربی بود، این بار با بایکوت رسانه‌ای آنها مواجه شد اما فروش داخلی آن در چین بسیار بالا بود و هم نقدهای مثبتی از منتقدان چینی دریافت کرد، هم نظرات مثبتی از جانب مخاطبان.

فیلم شده است. سپس بر خورد رسانه‌های چینی و آمریکایی با آن بررسی و مقایسه می‌شود و پس از آن سابقه پرداختن به جنگ کره در ۲ سینمای آمریکا و چین مرور شده است.

■ **نویت روانگری چینی‌ها**

قسمت سوم این سه‌گانه با نام «داوطلبان: نبرد برای صلح» بازخورد‌های بسیار جالبی در فضای سینمایی چین داشت. این فیلم که سپتامبر ۲۰۲۵ هم‌زمان با تعطیلات روز ملی چین اکران شد، از نظر منتقدان و مخاطبان چینی به عنوان «بالغابترین» قسمت این سه‌گانه شناخته می‌شود. این قسمت در پلتفرم دوبان (Douban) که معتبرترین سایت نقد و امتیازدهی مردمی در چین است، امتیاز ۷.۳ از ۱۰ را کسب کرد. این بالاترین امتیاز در کل سه‌گانه محسوب می‌شود (قسمت‌های قبلی معمولاً در بازه ۶.۵ تا ۷ بودند). منتقدان معتقدند چن کایگه در این قسمت توانسته تعادل بهتری بین حماسه جنگی و عمق دراماتیک ایجاد کند؛ یکی از نقاط قوت فیلم از دید مخاطبان چینی، نمایش دقیق و پر تنش مذاکرات صلح در پانمونجوم بود. منتقدان جشنواره‌های داخلی اشاره کردند که فیلم بخوبی توانسته نشان دهد پیروزی تنها در میدان نبرد به دست نیامده، بلکه ایستادگی دیپلمات‌ها هم (با بازی درخشان بازیگرانی مثل سونگ جیا در نقش مترجم ارشد) بخشی جدایی‌ناپذیر از این تاریخ است. این رویکرد جدید که کمتر در فیلم‌های جنگی چینی دیده شده بود، بسیار مورد تحسین قرار گرفت. علاوه بر این بسیاری از تماشاگران در شبکه‌های اجتماعی از زاویه دید انسانی فیلم استقبال کردند. داستان از نگاه شخصیت لی شیائو (با بازی ژانگ زی‌فنگ) و تلاش او برای یافتن پدرش در میانه آشوب جنگ، باعث شد مخاطبان جوان‌تر که شاید با جزئیات تاریخی فاصله داشتند، ارتباط عاطفی عمیقی با فیلم برقرار کنند. منتقدان این بخش را «قلب تپنده» قسمت سوم نامیدند. علاوه بر این، واکنش به جلوه‌های ویژه واقع‌گرایانه فیلم هم بسیار مثبت بود.

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲۸
نمبر: ۶۶۴۱۳۷۲
پیام‌رسان: @vatanemروز | پست الکترونیکی: info@vatanemروز
چاپ: موسسه جام‌چم برتر بر نا | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۲۳۰۰

نگاهی به فیلم چینی «داوطلبان؛ نبرد برای صلح» با موضوع جنگ چین و آمریکا

این بار شرق روایت می‌کند

بایکوت کردن هنر یک ملت باشد. او در سخنرانی‌هایش می‌گوید: «ما حق داریم تاریخ را از نگاه خودمان و برای نسل جوان‌مان روایت کنیم.»

او به جای گلایه از عدم اکران در غرب، روی کیفیت فنی فیلم تمرکز کرد تا ثابت کند سینمای چین از نظر تکنولوژی به سطحی رسیده که دیگر نیازی به تأیید استودیوهای غربی ندارد. او با استفاده از ۷۷۰۰ نمای جلوه‌های ویژه در قسمت پایانی، عملاً قدرت فنی خود را به رخ جهانیان کشید. به‌طور خلاصه، چن کایگه با یک نوع «عتماد به نفس ملی» به استقبال بایکوت‌ها رفته و ترجیح داده است به جای تلاش برای متقاعد کردن منتقدان نیویورک با لندن، به «صدای ملت خودش» تبدیل شود. او برخلاف دوران جوانی‌اش که به‌شدت به دنبال جایزه‌های جشنواره‌هایی مثل کن یا اسکار بود، در سال‌های اخیر صراحتاً اعلام کرده موفقیت فیلمش را در «شک‌های سربازان کهنه‌کار» و «هرک نسل جوان چین» می‌بیند، نه در ستایش منتقدان غربی. جالب‌ترین بخش پاسخ این فیلمساز چینی به بایکوت غربی‌ها این بود که در مراسم اکران افتتاحیه قسمت سوم، در حالی که کنار ۲ سرباز بازمانده از جنگ کره نشسته بود، گفت: «گر این عزیزان بودند، ما تأیید کنند، من جایزه‌ام را گرفتم.»

■ **فیلم‌های هالیوود پروپاگاندا بودند یا چین؟**

هالیوود از ۱۹۵۱ به این سو بیش از ۲۰ فیلم درباره جنگ کره ساخت که اغلب با بودجه بالا و اکران جهانی همراه بودند. آثاری از قبیل «کلادوخ فولادی» The Steel Helmet (۱۹۵۱) نخستین فیلم هالیوودی درباره جنگ کره که سربازان آمریکایی را در برابر «هجوم وحشیانه» کمونیست‌ها قهرمان می‌کند، «تپه پورک‌چاپ» Pork Chop Hill (۱۹۵۹) که با تمرکز بر شجاعت آمریکایی‌ها در برابر موج هجوم چینی‌ها نبرد تپه پورک‌چاپ را حماسی نشان می‌دهد، «کلاندی‌کای منچوری» Manchurian Candidate (۱۹۶۲) که شست‌وشوی مغزی سربازان آمریکایی توسط چینی‌ها و ششوروی‌ها را به عنوان نماد ترس از کمونیسم نمایش می‌دهد و فیلم «مش» M.A.S.H. (۱۹۷۰) که یک طنز سیاه‌ام‌دل در عین حال پروپاگانداي ضد کمونیستی با تمجید از پزشکان آمریکایی در برابر دشمن شرور است، بخشی از این آثار هستند. با این‌حال آنها مدت‌هاست که از چنین سوزهای فاصله گرفته‌اند و تنها موردی که در سال‌های اخیر با این موضوع شناخته‌ان را می‌توان فیلم «زخودگشنگی» (Devotion) (۲۰۲۲) دانست که داستان ۲ خلبان آمریکایی در جنگ کره است.

آمریکایی‌ها حالا دیگر نه خودشان درباره جنگ کره فیلم می‌سازند و نه آنقدر این موضوع برای‌شان بی‌اهمیت شده که اجازه بدهند چینی‌ها روایت خودشان را جا بیندازند. این در حالی است که در برابر روایت‌های چین از جنگ دوم جهانی تا این اندازه، از طرف غربی‌ها مقاومتی صورت نمی‌گرفت اما باید پرسید: چرا این چنین است؟ در جنگ دوم جهانی دشمنان آمریکا ژاپن را و چین را آمریکا در یک جبهه بودند. وقتی فیلمی مثل «هشتصد» یا «گل‌های جنگ» ساخته می‌شود، روایت سینمایی با منافع تاریخی غرب تضاد کمتری دارد؛ چون هر ۲ طرف توافق دارند که فاشیسم ژاپن باید شکست می‌خورد. به همین دلیل این فیلم‌ها در جشنواره‌ها پذیرفته می‌شوند و نقد مثبت می‌گیرند اما در جنگ کره دشمن، مستقیماً از تش ایالات متحده (تحت پرچم سازمان ملل) است. در فیلم‌هایی مثل «داوطلبان» یا «پتار»، سرباز آمریکایی کسی است که بمب می‌اندازد، روستاها را ویران می‌کند و در نهایت شکست می‌خورد یا عقب‌نشینی می‌کند. تماشا‌ی این صحنه‌ها برای سیستم رسانه‌ای غرب که دهه‌هاست تصویر «سرباز منجی» را فروخته، عملاً غیرقابل هضم است. اساساً روان مخاطب غربی عادت ندارد سرباز آمریکایی را در یک فیلم در جایگاه «دشمن» ببیند. مساله بعدی مربوط به آن چیزی است که تحت عنوان «جنگ فراموش‌شده» شناخته می‌شود. در غرب، جنگ کره اغلب به عنوان «جنگ فراموش‌شده» (The Forgotten War) شناخته می‌شود؛ چون برخلاف جنگ دوم جهانی که پیروزی مطلق بود) با جنگ ویتنام که هر چند پذیرفته شده زخمی عمیق بر جامعه آمریکا بود اما شکست مطلق نظامی هم در آن قابل انکار است، جنگ کره یک بن‌بست نظامی و سیاسی محسوب می‌شد که پایانش طبق هیچ تفسیری پیروزی قطعی برای آمریکا نداشت. وقتی چین فیلم‌های عظیمی درباره این جنگ می‌سازد و آن را یک «پیروزی حماسی برای مقاومت شرقی» جلوه می‌دهد، غرور ملی و روایت تاریخی غرب را به‌شدت به چالش می‌کشد. نکته بعدی تغییر جایگاه چین از «قربانی» به «قیب» است. در فیلم‌های جنگ دوم جهانی، چین معمولاً در موضع «قربانی شجاع» به تصویر کشیده می‌شود که در حال دفاع از سرزمینش در برابر تهاجم وحشیانه است و غربی‌ها به عنوان ناجی‌های آنها می‌توانند وارد صحنه شوند اما در فیلم‌های جنگ کره (مثل آثار اخیر چن کایگه)، چین در مقام یک «قدرت نظامی برابر» ظاهر می‌شود که مقابل تکنولوژی آمریکامی‌ایستد. این تغییر تصویر از «قربانی» به «قیب قدرتمند»، دقیقاً همان چیزی است که رسانه‌ها و سیاستمداران غربی در فضای «جنگ سرد جدید» امروز از آن وا همه دارند.